

Psychological analysis and investigation of selected Azerbaijani Turkish proverbs

Sakineh Pirak *¹

Received: 31/12/2023
Accepted: 24/05/2024

Abstract

Nowadays, with the progress of science and the emergence of new scientific theories, literature and literary works have also taken on a practical dimension. The study of literary works based on psychological theories is one of the new scientific methods proposed by thinkers and thinkers. However, studies examine folktales, legends, anecdotes and proverbs to realize different hidden historical perspectives and spiritual and psychological characteristics of different ethnic groups. In the field of proverbs of the nations, a number of studies have been conducted which surveyed "the linguistic role of women in the creation and spread of oral literature by looking at the stories, play songs, lullabies and couplets of the people of Kerman". In particular, Sarahi (2017) examined the position of women in Turkish proverbs. Considering the conducted research, it becomes evident that no comprehensive study has been done on Turkish proverbs based on psychological analysis. In addition, since psychology is one of the main categories in understanding the mind and human behavior, the current research tries to reveal the important

* Corresponding Author's E-mail:
pirak@pnu.ac.ir

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payam-e- Nour University, Tehran, Iran.

<http://www.orcid.org/0000-0001-7531-9516>



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY- NC) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.



and invisible psychological issues and factors lying in the hidden and deep layers of proverbs by psychologically examining and analyzing the proverbs.

Keywords: proverb; Turkish; psychological analysis.

The purpose of the study and research questions

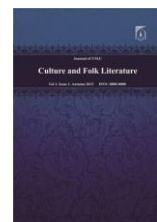
In addition to expressing the themes of judgment, education and morality, the psychological investigation and analysis of Turkish proverbs provides valuable information in the field of understanding persons, individual differences, motivation and excitement, social actions and behaviors, psychological conflicts, mood, individual and social personality. These issues provided by their speakers can be investigated with psychological theories.

The current research aims to answer the following questions by examining proverbs which manifests the psychological processes:

1. Why do people use proverbs?
2. How do human experiences and intellectual reserves create proverbs?
3. How are the educational and moral effects of parables?

Discussion

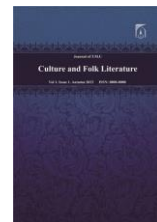
Among distinct branches of Turkish popular literature, proverbs which are considered national treasures, their historical and cultural aspects play a special discourse role among the Turkish people with their amazing range. These short and simple statements contain themes that are often related to the fields of study of other sciences and have a considerable influence on people's thoughts and behavior. Furthermore, according to psychoanalysis, in fact, literature and all types of art are mainly the product of self-awareness that is active in the writer and reader and even in the whole society according to some contemporary psychoanalyst literary critics (Tysen, 2017, p. 69).



Psychology seeks the knowledge of the human mind and behavior as people bring their inner personality and mood to the fore in their external manifestations, such as behavior, actions, and speech. Since the process of literary creation is a completely psychological thing, on the one hand, and literary works, including proverbs, display a manifestation of the thought and personality of their creator, on the other hand, the current research investigates the psychological and moral aspects of proverbs among the other scientific and cultural aspects of Turkish proverbs and sayings. Moreover, the present study tries to evaluate and identify the psychological processes in proverbs and sayings, the personality of people, their psychological actions and reactions and their defense mechanisms so as to analyze the effects and features of behavior such as failure, fear, anxiety, self-esteem, etc. Then, for each of the mentioned issues, one example will be provided. In other words, the present research tries to reveal the important and invisible psychological factors that lie in the hidden and deep layers of parables. It is worth mentioning that the proverbs examined in this research are from the book of *Azerbaijan Proverbs*, authored by Habib Majidi Zolbanin, and the book of *Hikmat-i-Masallar* by Tohid Maboudi.

Conclusion

The psychological study of Turkish proverbs shows that proverbs can introduce us to a variety of personality traits, heredity, growth and social judgments, and the methods of education and parenting of the past. The study of the cultural manifestations of the Turkish language including the analysis of proverbs provides valuable information in the field of learning of people, individual differences, motivation and excitement, social actions and behaviors, psychological conflicts, and the nature of the mood besides the expression of judgmental, educational and moral themes. In addition, the individual and social



personality of their speakers can often be investigated with psychological scientific theories. The current research shows that the existence of a considerable number of Turkish proverbs with psychological perspective indicates that the speakers of the proverbs were familiar with the educational bases and mental and psychological characteristics of people. Thus, compared to the scientific experiences of their time, they had the best and highest moral and educational themes which have been expressed

References

- Maabood, T. (2008). *Hekmat Li Meslr*. Atai.
Majidi Zolbanin, H. (2010). *Proverbs of Azerbaijan*. Ekbatan.
Tyson, L. (2008). *Theories of contemporary literary criticism* (translated by M. Hosseinzadeh). Negah Emroz.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۱۲، شماره ۵۸، مهر و آبان ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های ترکی آذربایجانی

سکینه پیرک^{۱*}

(دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴)

چکیده

امروزه با پیشرفت علوم و پیدایش نظریه‌های جدید علمی، ادبیات و آثار ادبی نیز چهره کاربردی به خود گرفته‌اند. مطالعه آثار ادبی براساس نظریه‌های روان‌شناختی، از شیوه‌های جدید علمی است که مطمح نظر اندیشمندان علمی و تحقیقی قرار گرفته است و محقق از رهگذر بررسی و مذاقه در قصه‌ها، افسانه‌ها، حکایات و امثال و حکم بومی و ملی و با تکیه بر روش‌های روان‌شناختی، بسیاری از زوایای پنهان تاریخی و خصوصیات روحی و روانی اقوام مختلف را آشکار می‌سازد. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی، نشان می‌دهد که مثل‌ها می‌توانند ما را با انواع ویژگی‌های شخصیتی، وراثتی، رشد و قضاوت‌های اجتماعی و روش‌های تربیتی و فرزندپروری گذشتگان آشنا سازند. بررسی و تحلیل روان‌شناختی

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

*pirak@pnu.ac.ir

<http://www.orcid.org/0000-0001-7531-9516>



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY - NC) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.

ضرب‌المثل‌های ترکی، علاوه بر بیان مضامین حکمی، تربیتی و اخلاقی، اطلاعات ارزشمندی را در زمینه یادگیری افراد، تفاوت‌های فردی، انگیزش و هیجان، کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی، تعارضات روان‌شناختی، چگونگی خلق و خوی، شخصیت فردی و اجتماعی گویندگان آن‌ها، در اختیار می‌گذارد که با نظریه‌های علمی روان‌شناختی قابل بررسی است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که وجود تعداد قابل ملاحظه‌ای از مثل‌های ترکی با دیدگاه‌ها و پایه‌های روان‌شناختی حاکی از آن است که گویندگان مثل‌ها با مبانی تربیتی و خصلت‌های روحی و روانی افراد آشنایی داشته و نسبت به تجربیات علمی زمان خود، بهترین و والاترین مضامین اخلاقی و تربیتی را بیان کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ضرب‌المثل، ترکی، تحلیل روان‌شناختی.

۱. مقدمه

فرهنگ عامه با ابعاد گسترده خود، منبعی مهم در شناخت افکار، باورها، اندیشه‌ها و تنوع زندگی هر قوم و ملتی به شمار می‌آید. در واقع ادبیات مردمی یا ادب شفاهی، میراث معنوی و سنت‌های داستانی، غیرداستانی و نمایشی مردم است که عمدتاً به شکل شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و شامل مجموعه‌ای عظیم از ترانه‌ها، لالایی‌ها، چیستان‌ها، قصه‌ها، اساطیر، متل‌ها و ضرب‌المثل‌هاست. در میان این مجموعه عظیم از ادب شفاهی، ضرب‌المثل‌ها شعبه مهمی از ادبیات هر زبان و نماینده ذوق فطری، قریحه ادبی، افکار، عادات، اخلاق و احساسات اهل آن زبان هستند. سید احمد پارسا در کتاب بررسی و تحلیل علمی و ادبی امثال و حکم پارسی، سعی کرده است با مطالعه و بررسی دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان و مثل‌پژوهان در زبان‌های عربی، انگلیسی، کردی و فارسی، ضمن طبقه‌بندی آن‌ها در چهار رویکرد بی‌تعریفی، تشبیه،

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک

اندرزگونی و استعاری، به نقد و بررسی این دیدگاه‌ها پردازد. پارسا در رویکرد بی‌تعریفی بیان می‌کند که:

برخی چون آرکر تایلور، میدر، پیتز گریزیک و دهخدا بر این باورند که مثل تعریف‌ناپذیر است و نمی‌توان تعریف درستی از آن ارائه داد. آرکر تایلور معتقد است که: تعریف یک مثل، چنان سخت است که شاید نتواند آنچه را که دربر دارد، نشان دهد. یک حالت غیرکلامی به ما می‌گوید که این جمله یک مثل است نه چیز دیگر در رویکرد تشبیه که قدیمی‌ترین رویکرد به مثل است. شباهت بین وضع موجود با مثل، معیار قرار داده می‌شود. مبرد معتقد است: «مثل از مثال گرفته شده و آن گفتاری رایج است که به وسیله آن حال دوم را به حال اول یعنی حالت موجود را به حالتی که سابق بر آن و شبیه بدان بوده است، تشبیه می‌نمایند. در رویکرد اندرزگونی، شایع بودن آن در میان مردم و داشتن پیام پند و اندرز را به‌طور هم‌زمان، شرط مثل بودن دانسته‌اند. به‌منیاب در این زمینه می‌گوید: مثل جمله‌ای است مختصر مشتمل بر تشبیه با مضمون حکیمانه که به واسطه روانی الفاظ، روشنی معنی و لطافت ترکیب بین عامه مشهور شده است و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در محاورات خود به‌کار می‌برند. در رویکرد استعاری، بر وجه استعاری مثل تأکید شده است و چنین بیان می‌شود که مثل یک گفته مختصر و مفید در کاربرد معمول و مشخص، یا یک جمله موجز است که اغلب به‌صورت استعاری و آهنگین، به‌منظور بیان برخی حقایق به‌کار می‌رود که تجربه یا مشاهده‌ای که برای همگی آشناست آن را معین می‌کند (پارسا، ۱۳۹۴، صص. ۱۳-۸).

وقتی که امثال جاریه بین یک ملت را به دقت مطالعه و در نکات و دقایق آن تأمل کنیم طوری از طرز زندگانی اجتماعی و انفرادی، درجه تربیت و تمدن، پایه ترقی و تنزل، رسوم و عقاید، احساسات و تصورات آن ملت مطلع می‌شویم که

گویی سال‌ها با افراد طبقات مختلف آن، شریک زندگی و رفیق شب و روز بوده‌ایم (بهمنیار، ۱۳۸۱، ص. ۱۲).

شاید بتوان گفت که ضرب‌المثل‌ها کهن‌ترین نوع ادبیات شفاهی هستند که همواره بشر را در روشن‌تر کردن مفاهیم و ادراکاتش یاری داده‌اند (همان، ص. ۱۵)؛ زبان ساده و بی‌پیرایه هر قومیتی که، فرهنگ و اندیشه موجود در جامعه، آن را می‌سازد و پرورش می‌دهد. البته «گاهی این گفتارهای حکیمانه با خرافات، احساسات و اندیشه‌های خام و افسانه‌ای ظاهر می‌شوند که همگی نشان‌دهنده عمق و گستره نوع احساسات و باورهای علمی یا غیرعلمی و افسانه‌ای گذشتگان است» (نوین، ۱۳۸۷، ص. ۸۶).

از میان شاخه‌های مختلف ادبیات عامه ترکی، ضرب‌المثل‌ها که از گنجینه‌های ملی و مفاخر تاریخی و فرهنگی اقوام ترک به‌شمار می‌رود، با گستره اعجاب‌انگیز خود، نقش گفتمانی ویژه‌ای در میان اقوام ترک، ایفا می‌کند. این جملات کوتاه و ساده، شامل مضامینی هستند که اغلب با حوزه‌های مطالعاتی علوم مختلف در ارتباط هستند و تأثیر بسیار عمیقی بر افکار و اعمال افراد می‌گذارند؛ «از نظر روان‌کاوی، ادبیات و درواقع تمام اقسام هنر، عمدتاً محصول نیروی خودآگاهی هستند که در نویسنده و خواننده و به زعم برخی از منتقدان ادبی روان‌کاو معاصر، حتی در کل جامعه در حال فعالیت است» (تایسن، ۱۳۸۷، ص. ۶۹). موضوع روان‌شناسی، شناخت ذهن و رفتار انسان است و افراد، شخصیت و خلق و خوی درونی خود را در تظاهرات و جلوه‌های بیرونی خود، مانند رفتار، کردار و گفتار به منصه ظهور می‌رسانند. از آنجا که فرایند آفرینش ادبی امری کاملاً روانی است و آثار ادبی و ازجمله ضرب‌المثل‌ها، جلوه‌ای از اندیشه و شخصیت پدیدآورنده خود را به نمایش می‌گذارند، پژوهش حاضر، از میان جنبه‌های مختلف علمی و فرهنگی امثال ترکی، به جنبه روان‌شناختی و اخلاقی ضرب‌المثل‌ها

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک
می‌پردازد و سعی می‌کند تا با ارزیابی و شناسایی فراکردهای روان‌شناختی موجود در امثال
و حکم، شخصیت افراد، کنش‌ها و واکنش‌های روانی و مکانیسم‌های دفاعی آنان، جلوه‌ها و
جنبه‌های رفتاری مانند: ناکامی، ترس، اضطراب، عزت نفس و ... را مورد تحلیل و بررسی
قرار دهد و برای هر یک از فرایندهای ذکر شده، از امثال و حکم آذری شاهد مثال بیاورد. به
عبارت دیگر پژوهش حاضر سعی می‌کند مسائل و موضوعات مهم و ناپیدای روان‌شناختی
را که در لایه‌های پنهان و عمیق مثل‌ها نهفته است، آشکار سازد.

۱-۱. بیان مسئله و ضرورت پژوهش

یکی از ویژگی‌های آثار ادبی، ایجاد انفعالات درونی و نفسانی در مخاطب است. تأثیر
روانی یک اثر ادبی بر مخاطبانش، نشان‌دهنده پیوند نزدیک روان‌شناسی و ادبیات است.
با مطالعه علمی و روان‌شناسانه آثار ادبی از جمله ضرب‌المثل‌ها، بسیاری از نکات و
مسائل مهم اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و اخلاقی گذشتگانمان که در لایه‌های تاریک و
ناپیدای تاریخ گم شده‌اند، آشکار می‌شود. در پژوهش حاضر نیز از طریق مطالعه
ضرب‌المثل‌هایی که جلوه‌هایی از فراکردهای روان‌شناختی در آنها مشهود است، با نوع
افکار، اندیشه‌ها، آمال و آرزوها و احساسات دور و دراز اقوام ترک آشنا می‌شویم و
می‌فهمیم که چرا آدمی به بیان ضرب‌المثل‌ها روی آورده است و تجارب و اندوخته‌های
فکری انسان، چگونه باعث ایجاد ضرب‌المثل‌ها شده است؛ و جلوه‌های تربیتی و
اخلاقی در ضرب‌المثل‌ها چگونه است.

۲. پیشینه پژوهش

درمورد ضرب‌المثل‌های اقوام مختلف، پژوهش‌های گوناگون و متنوعی انجام گرفته
است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

ذوالفقاری و باقری (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی ضرب‌المثل‌ها در افسانه‌های پهلوانی فارسی» به بررسی ۵۰۰ ضرب‌المثل از ۳۰ افسانه پهلوانی منظوم و منثور از قرن ششم تا پایان دوره قاجار به منظور ارائه چشم‌اندازی زبانی - جامعه‌شناختی می‌پردازند. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که ضرب‌المثل‌های مورد بررسی را می‌توان از نظر موضوعی به چهار دسته کلی دنیا، بخت و اقبال؛ مسائل اجتماعی؛ سیاست و حکومت و اندرزهای اخلاقی تقسیم‌بندی کرد. در این ضرب‌المثل‌ها گاه رگه‌هایی از اندیشه‌های مردسالارانه و زن‌ستیزانه دیده می‌شود.

خسروی‌نژاد (۱۳۹۱) در مقاله «نقش زبانی زنان در پیدایش و رواج ادبیات شفاهی با نگاهی به قصه‌ها، ترانه‌های بازی، لالایی‌ها و دوبیتی‌های مردم کرمان» سعی دارد با بررسی امکانات بنیادین قصه‌ها، لالایی‌ها، ترانه‌های بازی و دوبیتی‌ها، وجوه تازه‌ای از زبان‌شناسی جنسیت را در ظهور چنین آثاری جست‌وجو کند و برای محدود کردن موضوع، استان کرمان را مد نظر قرار داده است.

موحد و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی از ضرب‌المثل‌های زنانه در شهرستان لامرد استان فارس» نشان داده‌اند که در این جامعه هیچ گونه نقش اجتماعی یا حرفه‌ای به جز مادر و همسر بودن برای زنان در نظر گرفته نمی‌شود.

آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه: با تأکید بر ضرب‌المثل‌های لری» نتیجه گرفته که ضرب‌المثل‌ها به لحاظ مضمونی در مقوله‌های مختلف توسعه‌ای گنجانده شده و تعداد فراوانی از ضرب‌المثل‌ها و هم جهت‌گیری مثبت و منفی مضمون هر یک از آنها با توسعه، واکاوی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که به لحاظ تکرار، توصیه به عقل‌گرایی،

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک
ارزش‌های اخلاقی مؤید کار، گرایش به جمع‌گرایی، محافظه‌کاری و تقدیرگرایی در
میان مثل‌ها، بیشترین تکرار را داشته‌اند.

عزیزی فرد (۱۳۹۲) در مقاله «زیبایی‌شناسی ضرب‌المثل‌های کردی ایلامی از دیدگاه
علم بیان» با روش توصیفی - نظری ضرب‌المثل‌ها را از نظر میزان کاربرد آرایه‌های ادبی و
عناصر خیال‌آرزیابی کرده و به این نتیجه رسیده است که زیرساخت بیشتر ضرب‌المثل‌ها بر
پایه تشبیه و استعاره است و از تمامی ظرفیت‌های علم بیان در آن‌ها استفاده شده است که
این مسئله نشان از قدرت خیال‌پردازی گویندگان آن دارد و در مواردی برای درک برخی
صناعات ادبی، آشنایی با بافت فرهنگی آن منطقه ضروری است.

نوین (۱۳۸۷) در مقاله «تحلیل روان‌شناختی امثال و حکم فارسی» بیان می‌کند که
مطالعه امثال و حکم از منظر «روان‌شناختی»، ما را با انواع ویژگی‌های شخصیتی،
وراثت، و با رشد و قضاوت اجتماعی و روش‌های فرزندپروری گذشتگان آشنا
می‌سازد. همچنین مثل‌ها در زمینه‌های یادگیری افراد، شخصیت، تفاوت‌های فردی،
انگیزش و هیجان، کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی آنان، اطلاعات گران‌بهایی را در اختیار
ما قرار می‌دهند و اغلب این گونه جلوه‌های روان‌شناختی با نظریه‌های علم امروزی
قابل بررسی و تطبیق است.

خسروی شکیب (۱۴۰۲) در مقاله «ضرب‌المثل؛ ابزاری فرهنگی برای تنظیم و
شکل‌دهی به رفتار جمعی» تلاش می‌کند تا با روش تحلیل کیفی و توصیفی، به این
مسئله بپردازد که ضرب‌المثل‌ها با «عقلانی‌سازی»، «نهادینه‌سازی» و «ساخت‌گرایی»،
رفتارهای فردی را با رفتارهای جمعی همسو می‌کنند. مبانی و کارکرد ضرب‌المثل‌ها،
نشان‌دهنده ظرفیت و توانایی آن‌ها برای نظارت و کنترل رفتارهای اجتماعی است.

عزتی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل گفتمان جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های ترکی» نشان می‌دهند که تقریباً تعداد بازنمایی‌های مثبت و منفی از زن در ضرب‌المثل‌های ترکی به یک میزان است، اما در بیشتر موارد تصویری که از زن ارائه می‌شود، تصویری خثی و عاری از هرگونه ارزش‌گذاری است. تبعیض و نابرابری جنسیتی در ضرب‌المثل‌های ترکی به‌ندرت دیده می‌شود. قدرت نه‌تنها بین زن و مرد، بلکه بین زنان نیز براساس نقشی که در خانواده ایفا می‌کنند، تقسیم شده است.

مطالعه پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تحقیقات و مطالعاتی که در زمینه ادبیات شفاهی و فولکلوریک زبان ترکی به‌خصوص ضرب‌المثل‌ها، انجام گرفته، بسیار ناچیز است و تاکنون هیچ مطالعه و تحقیق جامعی از نوع تحلیل روان‌شناختی بر روی ضرب‌المثل‌های آذری صورت نگرفته است؛ و از آنجا که روان‌شناسی یکی از مقولات اصلی در شناخت ذهن و رفتار انسانی است، لذا پژوهش حاضر با بررسی و تحلیل روان‌شناسانه ضرب‌المثل‌ها سعی می‌کند تا مسائل و موضوعات مهم و ناپیدای روان‌شناختی را که در لایه‌های پنهان و عمیق مثل‌ها نهفته است، آشکار سازد. گفتنی است ضرب‌المثل‌های بررسی شده در این پژوهش از کتاب *ضرب‌المثل‌های آذربایجان*، نوشته حبیب مجیدی ذوالنین و کتاب *حکمت‌لی مثل‌لر*، اثر توحید معبودی است.

۳. مباحث نظری و تعاریف

۳-۱. یادگیری

یادگیری که تمام جنبه‌های مختلف حیات بشری را دربر می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها در روان‌شناسی امروز و در عین حال یکی از مشکل‌ترین مفاهیم برای تعریف کردن است. یادگیری در بدو امر، فراگیری یا به‌تصرف در آوردن دانش تلقی می‌شود که گویای نوعی تغییر در داشته‌هاست (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۲۵۵).

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک
 معروف‌ترین تعریف درباره یادگیری، تعریف کیمبل، روان‌شناس معروف، است. او
 می‌گوید: «یادگیری فرایند تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری می‌باشد که در نتیجه تمرین
 تقویت شده است» (سیف، ۱۳۷۰، ص. ۲۲۰).

۳-۱-۱. انواع یادگیری

۳-۱-۱-۱. نظریه شرطی شدن

شرطی شدن کلاسیک نوعی یادگیری است که تأثیر عمده‌ای در مکتب فکری
 روان‌شناسی دارد و نخستین بار توسط ایوان پاولف، فیزیولوژیست روسی، پیشنهاد شده
 است. «پاولف با انجام یک آزمایش از یادگیری، عکس‌العمل پاسخ‌گر یا شنونده را که
 در موعد مقرر، از خود نشان می‌دهد، ارزیابی کرد» (همان، ص. ۱۲۸). در این نوع
 یادگیری شخص یاد می‌گیرد که بین یک محرک بی‌اثر، با یک پاداش یا تنبیه، ارتباط
 برقرار کند و فرایند یادگیری از طریق ارتباط بین محرک طبیعی و محرک محیطی اتفاق
 می‌افتد. نمونه‌هایی از این نوع یادگیری، در ضرب‌المثل‌های ترکی بررسی می‌شود

ایلان سانجان آلا ایپتندنه گورخار Ilân sânjân âlâ iptân gorxâr

برگردان: مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۹۸).

درواقع این ضرب‌المثل به شرایطی اشاره دارد که در مواجهه با شرایط مشابه
 ناخوشایندی که در گذشته اتفاق افتاده است، بیش از اندازه احتیاط به خرج دهیم؛
 درست مانند مارگزیده‌ای که در مقابل ریسمان سیاه و سفید شرطی شده است و با
 دیدن آن از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد.

ایت قولاغین کسنن گورخار It qülâyin kâsnân gorxâr

برگردان: سگ از کسی که گوشش را بریده است، می‌ترسد (همان، ص. ۳۱۷).

سگ به سبب شرایط ناخوشایندی که به وسیله فردی برای او اتفاق افتاده است، نسبت به تمامی افراد شرطی شده است و با دیدن هر آدمی زادی، دچار ترس می شود و از خود عکس العمل نشان می دهد. به عبارت دیگر، دیدن آدمی زاد به عنوان یک محرک شرطی، باعث بروز پاسخ شرطی ترس و اضطراب در سگ می شود.

۳-۱-۲. یادگیری از نوع تعمیم و تمییز

پاولف در بررسی های آزمایشگاهی خود در مورد تعمیم و تمییز می گوید: تعمیم عبارت است از گسترش پاسخ از محرک های اولیه به محرک های مشابه؛ فرایندی که طی آن، پاسخ یادگرفته شده در حضور محرکی خاص، در شرایط دیگر و در حضور محرک های دیگر نیز بروز کند. به عبارت دیگر:

تعمیم به تمایل فرد برای پاسخ دادن به محرک های مرتبط (مشابه) با محرکی که در ضمن شرطی شدن به کار رفته است، گفته می شود. در مقابل، تمییز، به تمایل فرد به پاسخ دادن به آن محرکی که در ضمن شرطی شدن به کار رفته است، اشاره می کند. در واقع فرایندهای تعمیم و تمییز در طول زندگی انسان ها، فراوان اتفاق می افتند (سیف، ۱۳۷۰، ص. ۱۳۲).

نمونه هایی از ضرب المثل های که نوع یادگیری تعمیم و تمییز در آن قابل بررسی است:

مثال برای تعمیم:

دردلی دینن اولار غملی یاتاقان D rdli dein n olar γ mli yâtâgân

برگردان: دردمند زیاد حرف می زند و آدم غمگین زیاد می خوابد (مجیدی، ۱۳۸۹، ص.

۳۰۲).

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک

از نظر روان‌شناسی در بسیاری از مواقع، پرگویی و پرخواهی راهی برای اجتناب از احساسات دردناک است. اشخاص دردمند و غمگین، با حرافی و خواب سعی می‌کنند که احساسات خود را کنار بزنند تا از مقابله با درد یا اضطرابی که ممکن است با این احساسات همراه باشد، اجتناب کنند.

مثال برای تمییز:

H□r oxyyân mollâ olmâz

هر اوخییان ملا اولماز

برگردان: هر درس‌خوانده‌ای ملا نمی‌شود (همان، ص. ۴۳۸).

درواقع تمییز، واکنش به تفاوت‌هاست؛ از طریق تقویت تمییز، افراد یاد می‌گیرند که دو محرک را از هم تفکیک کنند. توانایی تعمیم دادن محرک‌ها، یکی از امتیازات مهم یادگیری است که فرد را قادر می‌سازد تا بدون نیاز به یادگیری مداوم، یک پاسخ آموخته‌شده به یک محرک معین را به محرک‌های مشابه آن گسترش دهد. در بعضی از مواقع ممکن است تعمیم نابه‌جا باشد و در چنین حالتی باید به او آموخت که تفاوت‌های میان محرک‌ها را شناسایی کند و به هر محرک پاسخ متناسب بدهد. این همان فرایند تمیز دادن محرک است. پس می‌توان گفت تعمیم محرک، یعنی پاسخ دادن به شباهت‌ها و تمیز محرک، یعنی پاسخ دادن به تفاوت‌ها (سیف، ۱۳۷۰، ص. ۱۳۲).

۳-۱-۱-۳. نظریه یادگیری اجتماعی

بنیانگذار این نظریه آلبرت بندورا، روان‌شناس کانادایی است. بندورا چارچوب مشخصی برای چگونگی یادگیری ارائه کرده است. «به نظر او بخش وسیعی از یادگیری‌های انسان با مشاهده و تقلید صورت می‌گیرد» (کدیور، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۸). در این نظریه سه عامل مهم با تأثیرات متقابل بر هم وجود دارند:

الف) رویدادهای محیطی (فیزیکی و اجتماعی)؛

ب) عوامل فردی (باورها، انتظارات و نگرش‌ها)؛

ج) عوامل رفتاری (عملی و کلامی).

طبق این نظریه، ما در مراحل مختلف زندگی طی فرایندی از یکدیگر می‌آموزیم؛ رفتارهای دیگران را مشاهده می‌کنیم و پس از مشاهده، رفتارها را جذب (درونی‌سازی) و تقلید می‌کنیم. در صورتی که مرجع تقلید به ما شبیه‌تر یا از نظر عاطفی نزدیک‌تر باشد، احتمال تقلید ما بیشتر است (سیف، ۱۳۷۰، ص. ۱۷۵). بنابراین «مراحل چهارگانه توجّهی، به‌یادسپاری، تولیدی یا بازآفرینی و مرحله انگیزشی، از مراحل اصلی یادگیری مشاهده‌ای است» (همان، ص. ۳۱۱). «نظریه یادگیری اجتماعی به سبب تأکید بر متغیرهای محیطی که رفتارها را برمی‌انگیزد خدمات ارزنده‌ای به روان‌شناسی بالینی و نظریه شخصیت کرده است» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۴۶۹). یادگیری مشاهده‌ای در ضرب‌المثل‌های زیر قابل بررسی است:

تویوق گلدی غاز یریشی یریه اوز یریشیده یادیننان چیختی

Toyuq gıldı yâz yerışı yeriyı öz yerışidı yâdinnân ıixti

برگردان: مرغ خواست مثل غاز راه برود راه رفتن خودش را هم فراموش کرد (مجیدی،

۱۳۸۹، ص. ۲۵۹).

دونینن کی گور گوتوردی

برگردان: کار دنیا دیدن است و تقلید (همان، ص. ۲۵۹).

نمونه‌های ذکرشده، اهمیت تقلید آگاهانه و منطقی و پرهیز از کم‌توجهی به آموزش

از طریق مشاهده را بیان می‌کند.

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک

۲-۳. یادگیری و عملکرد اخلاقی

رشد اخلاقی دربرگیرنده آن دسته از قوانین و مقررات اجتماعی است که تعیین می‌کند انسان‌ها در رابطه با دیگران، چگونه رفتار کنند. از نظر روان‌شناسان این قوانین مشتمل بر سه جنبه اساسی شناختی، عاطفی و رفتاری هستند که به کمال انسان در زندگی شخصی و اجتماعی و معنوی می‌انجامد.

Kornân □ or □ k ye âlâhi ârâdâ gor کورنان چورک یه آلهی آرادا گور

برگردان: با کورنان بخور در حالی که خدا را ناظر می‌بینی (همان، ص. ۳۷۸).

Çoragi sâl süyâ bâlixdâ bilməsə xâliq bil □ r چورگی سال سوا بالیخدا بیلیمسه خالیق بیلر

برگردان: نان را در آب انداز، اگر ماهی هم نداند، خدا می‌داند (همان، ص. ۳۷۸).

خمیرمایه اصلی اغلب امثال و حکم ترکی، براساس همین جوهره اخلاقی استوار است و نمونه‌های بسیاری را می‌توان شاهد مثال آورد که رعایت اصول اخلاقی را در تمام مراحل زندگی، گوشزد می‌کند.

۳-۳. خودتبرئه‌سازی

«گریز از مسئولیت یا توجیه امور زشت و ناپسند، از رفتارها و کردارهای افرادی می‌باشد که در مقابل محکمه وجدانی یا مواخذه قانونی و اخلاقی به آن متوسل می‌شوند» (نوبین، ۱۳۸۷، ص. ۹۱). چنین افرادی صدماتی را که با اعمالشان به دیگران وارد می‌کنند، نادیده می‌گیرند یا آن را تحریف می‌کنند و احساس شرمساری نمی‌نمایند؛ چون که فرد هر اندازه خود را بیشتر از پیامدهای ناگوار رفتار غیراخلاقی‌اش کنار نگه دارد، فشار کم‌تری را تحمل خواهد کرد. این نوع توجیه به صورت‌های گوناگونی جلوه می‌کند که در ذیل به تعدادی از آنها به همراه شاهد مثال، اشاره می‌کنیم.

۳-۳-۱. دلیل تراشی

گربه‌ای که چون دستش به گوشت نمی‌رسد آن را بدبو می‌داند، نمونه‌ای از مکانیسم دفاعی مشهور به دلیل تراشی را به نمایش می‌گذارد. «این اصطلاح به معنای اقدام معقولانه نیست، بلکه منسوب کردن رفتار و کردار خویش به انگیزه‌های منطقی یا جامعه‌پسند است تا چنین به نظر آید که درواقع هم درست و هم معقول رفتار شده است» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۵۱۱). «اشخاص مضطرب در مقابل وجدان خود و دیگران، برای تسکین تمایلات سرکوب‌شده و کمبودهای رنج‌آور خویش، یکی از مرسوم‌ترین شیوه‌های دفاعی یعنی دلیل تراشی را به کار می‌بندند و برای توجیه آن، دلایلی عرضه می‌دارند تا خود را قانع سازند» (علامی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۸۳). دلیل تراشی یک مسئله ناخودآگاه و توجیهی است؛ برای اینکه فکر یا عملی را موجه جلوه دهیم، خودمان را متقاعد می‌سازیم که توجیهی منطقی برای آن وجود دارد (شولتز، ۱۳۷۹، ص. ۶۸).

گلین اوینیا بیلمی دی اطاق ایریدی G□lin oyniyâ bilmey dey otâq □yiridi

برگردان: عروس نمی‌تواند بر قصد، می‌گوید اطاق کج است (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۸).

پیشیگین الی اته یتیشمز دیر میرداری Pişigin □li □t□ yetişm□z diy□r mirdârdi

برگردان: دست گربه به گوشت نمی‌رسد، می‌گوید مردار است (همان، ص. ۵۸)

روی هم رفته می‌توان گفت مکانیسم دلیل تراشی در مواردی رخ می‌دهد که در مقابل استفسار رفتار و دلایل خود قرار می‌گیریم و دچار تشویش و نگرانی می‌شویم.

۳-۳-۲. جابه‌جایی

بعضی از افراد اگر بدانند یک مرجع شناخته‌شده، رفتارشان را مورد حمایت قرار می‌دهد و مسئولیت آن را به عهده می‌گیرد، از راه جابه‌جایی مسئولیت، به راحتی از

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک
اصول اخلاقی خود می‌گیرند؛ «من آن کار را کردم چون به من دستور داده شده بود».
المأمور معذور. در اصطلاح روان‌شناسی، جابه‌جایی، تغییر مسیر حرکت (معمولاً
پرخاش) به سوی یک هدف جایگزین ضعیف است. این هدف، شخص یا چیزی است
که می‌تواند به‌عنوان یک جانشین نمادین، عمل کند. جابه‌جایی زمانی روی می‌دهد که
ضمیر می‌خواهد کاری را انجام دهد که وجدان اجازه آن را نمی‌دهد؛ از این رو ضمیر
راهی دیگر برای آزاد کردن انرژی روانی نهاد، پیدا می‌کند. «بعضی از افراد اگر بدانند که
یک مرجع رفتارشان را حمایت می‌کند با جابه‌جایی مسئولیت، از اصول اخلاقی خود
می‌گیرند» (نوبین، ۱۳۸۷، ص. ۹۲).

El iyā zāvāl yoxdür

الچیہ زوال یوخدور

برگردان: بر رسولان پیام باشد و بس (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۶). معادل مثل «المأمور
معذور».

مکانیسم جابه‌جایی برای کاهش اضطراب و فروکش کردن پرخاشگری‌ها صورت
می‌گیرد. «وقتی که فرد نمی‌تواند به دلیل ترس از انتقام، مقابل خشم و غضب دیگران،
ابراز وجود کند، برای حفظ تعادل روانی خود، از این مکانیسم استفاده می‌نماید» (نوبین،
۱۳۸۷، ص. ۹۲).

۴-۳. شخصیت

محققان معتقدند که: «شخصیت، مجموعه پویا و سازمان‌یافته‌ای از خصوصیات است که
به طرز منحصربه‌فردی بر شناخت، افکار، انگیزه‌ها و رفتار شخص در وضعیت‌های
مختلف، تأثیر می‌گذارد» (رایکمن، ۱۳۹۱، ص. ۵). «الگوهای متمایز و اختصاصی
اندیشه، هیجان و رفتار فرد، که سبک تعامل وی با محیط‌های فیزیکی و اجتماعی را
مشخص می‌سازد» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۴۵۷).

۳-۴-۱. شخصیت و تفاوت‌های فردی

شخصیت در بین افراد و طبقات مختلف اجتماعی متفاوت است و عوامل بسیاری در ایجاد تفاوت‌های فردی دخالت دارند که از آن جمله می‌توان به وراثت، محیط زیست و اراده شخص اشاره کرد. «عوامل زیست‌شناختی ذاتی و مادرزادی با رویدادهای محیطی شخص، تعامل می‌کنند و فرایند رشد فرد را رقم می‌زنند و فردیت آدمی را شکل می‌دهند» (همان، ص. ۴۲۸). تأثیر محیط بر فرد بسیار مهم بوده و می‌تواند اثرات مثبت و منفی بسیاری به جای بگذارد و یکی از عوامل مهم، در شکل‌گیری تفاوت‌های فردی است. از سوی دیگر، خود یا اراده انسانی که به اصطلاح وجدان نیز نامیده می‌شود، در تکوین رفتارهای فردی و اجتماعی و شکل‌گیری شخصیت انسان، بسیار تأثیرگذار است. اراده در اصطلاح به این معناست که اگر همه مقدمات برای انجام یک کار فراهم باشد؛ اما فاعل تمایلی نداشته باشد، کار انجام نمی‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، صص. ۴۴۳-۴۴۴). جایگاه اراده موجب شده است تا نظریه‌پردازان، توجه ویژه‌ای به این عامل داشته باشند. آدلر به‌عنوان نظریه‌پرداز شخصیت، بیان می‌دارد که نه وراثت و نه محیط، هیچ‌کدام نمی‌توانند رشد شخصیت را به صورت کامل تبیین کنند و ما به‌صورت نافع‌ال، به‌وسیله تجربیات کودکی، شکل داده نمی‌شویم (شولتز، ۱۳۷۹، صص. ۱۴۴-۱۴۹). جورج کلی نیز معتقد است، ما قادریم دیدگاه خود را عوض کنیم و سازه‌های جدیدی را همراه با پیش‌بینی‌های مربوط به آن شکل دهیم که این همان مفهوم اراده آزاد (خود) است (همان، ص. ۴۴۰). بنابراین «خود، مدیر عامل شخصیت می‌باشد؛ او تصمیم می‌گیرد که کدام یک از تکانه‌های نهاد، ارضا شود و به چه نحو؛ خود، واسطه بین خواسته‌های نهاد و واقعیت‌های جهان بیرون و فراخود است» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۴۵۸).

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک

مثال برای تأثیر وراثت بر تفاوت‌های فردی

آلا قارقا سودا چیمسه ده غاز اولماز
olm□z

برگردان: کلاغ سیاه اگر در آب هم شنا کند، غاز (سفید) نمی‌شود (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۸۲۴). معادل مثل فارسی «که زنگی به شستن نگرده سفید».

مثال برای تأثیر محیط زیست بر تفاوت‌های فردی

آتی آت یاینندا باغلاسان هم‌رنگ اولماسادا هم خوی اولار

□ti □t y□mind□ b□□l□s□n h□mr□ng olm□s□d□ h□mxü ol□r

برگردان: اگر دو اسب را کنار هم ببندی هم‌رنگ هم نشوند؛ هم‌خو می‌شوند (همان، ص. ۲۹).

مثال برای نقش خود بر تفاوت‌های فردی:

نیت هارا منزل اورا

Niyy□t h□r□ m□nzil or□

برگردان: اراده به هر سمتی برود منزل و هدف هم همانجا می‌رود (همان، ص ۱۲۸). معادل مثل فارسی «خواستن توانستن است».

چوبانین گوگلی اولسا قره سودان قیماخ دوتار

□ob□nin gogli ols□ q□r□ sūd□n g□ym□x dütar

برگردان: اگر چوپان اراده کند از آب سیاه، سرشیر می‌گیرد (همان، ص. ۱۷۱).

باید توجه داشت که: «مهم‌ترین عامل در به‌وجود آمدن همت و اراده در آدمی، میزان عزت نفس و ایمان درونی اوست. انسان در سایه توجه به خود و توانمندی‌های درونی و ارادی است که می‌تواند به خلاقیت‌های متعدد انسانی، نائل شود» (نوبین، ۱۳۷۸، ص. ۹۳).

۳-۴-۲. انواع شخصیت

الف) شخصیت بدبین

بدبین‌ها افرادی هستند که ارزش‌های اخلاقی را نفی می‌کنند، صداقت و حقیقت را با شک‌گرایی زیر سؤال می‌برند و از آن غافل می‌شوند. بدبینی اجتماعی، باورهای منفی درباره مردم و نهادهای اجتماعی تعریف می‌شود؛ افراد بدبین عموماً از ارتباط داشتن با سایرین احساس امنیت و آرامش نمی‌کنند؛ چون هرگونه رابطه را به شکلی منفی تفسیر می‌کنند و این موضوع، آسایش روانی آن‌ها را از بین می‌برد. آن‌ها بیشتر ترجیح می‌دهند تنها باشند تا اینکه از ارتباط بدبینانه با دیگران رنج بکشند (صمیمی اردستانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۹). در واقع بدبینی، بی‌اعتمادی و سوءظن بی‌دلیل به دیگران است.

هرکسه دُست ددیم دشمن جان اولدی منه

H r k s dost dedim döşme j n oldi m n

برگردان: به هرکسی دوست گفتم دشمنانم شد (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۰۹). معادل
مثل فارسی «از دشمن می‌گریزم و دوست می‌آید به جنگ من».

ب) شخصیت‌های نمایشی و هیستریک

ویژگی اصلی شخصیت نمایشی و هیستریک، رفتار توجه‌طلبانه و هیجان‌پذیری مفرط و فراگیر است. چنین شخصیتی اغلب با شور و نشاط زیاد و چشمگیر، مایل است توجه دیگران را به خود جلب کند. علاقه‌مند به چیزهای نو و مهیج هست و در هیجان‌های خود اغراق می‌کند و هر چیز کوچکی را بزرگ جلوه می‌دهد (یوسفی، ۱۳۸۹، ص. ۴۶).

آز اولسون اوز اولسون بیر بالا جاسوز اولسون

Olsün bir b l j a soz olsün z olsün öz

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک

برگردان: کافی است حرفی کم و کوچک بشنود، دنیا را پر می‌کند (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶).

حبه نی گویا اوخی

H□b□ni qupa oxey

برگردان: حبه را قبه (گنبد) می‌خواند (بزرگ نمایی و اغراق) (همان، ص. ۷۰).

ج) شخصیت خودشیفته

اصطلاح خودشیفتگی (نارسیسم) از افسانه یونانی نارسیس گرفته شده است. فروید افسانه نارسیس را راهی خوب برای نشان دادن «خود» فردی دانست که شیفته خودش می‌شود و نمی‌تواند با دنیای خارج ارتباط برقرار کند (اسنودن، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۷). شخصیت خودشیفته، نشانه‌های احساس خودبزرگ‌بینی، نیاز به تحسین و اشتغال ذهنی، تخیلات موفقیت و قدرت و استعداد زیبایی دارد و خود را مهم و بی‌همتا می‌داند (اله‌ویردی و خانجانی، ۱۳۹۸، ص. ۱). چنین شخصی خود را بی‌عیب و نقص می‌داند و دنبال عیب‌جویی از دیگران است.

اوز گوزونده تیری گورمی اوزگه گوزونده چویی گوری

Öz gözündā tiri görmey öz□ gözünd□ □opi görey

برگردان: در چشم خود تیر را نمی‌بیند، ولی در چشم دیگران گاه را می‌بیند (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۶۱).

فورتداسان قوردی چیخار

gürtd□s□an gürdi □ix□r

برگردان: هر چه قدر بیشتر وسواس به خرج دهی، معایش عیان‌تر می‌شود (همان، ص. ۳۶۱).

د) شخصیت ضد اجتماعی

شخصیت ضد اجتماعی، یک اختلال روانی است که فرد، نسبت به درست و غلط بودن مسائل بی توجه است و حقوق و احساسات دیگران را نادیده می گیرد. «افراد خودخواه و خودمحوری که، اضطراب و پشیمانی از گناه ندارند و بیشتر توجه گر هستند. این گونه شخصیت ها، بیشتر در کسانی که زمینه های محرومیت و عدم نیل به آرزوها در آن ها زیاد است، به چشم می خورد» (نویسن، ۱۳۸۷، ص. ۹۵).

آیا دای ده ایشوندهن اوتری

□yiy□ d□yi de išün□n ot□ri

برگردان: به منظور پیشرفت کارت، خرس را دایی بخوان (همان، ص. ۲۸۷).

چایی گچنجن ارمنیه دایی دی

□ayi ge□□n□j □n □rm□niy□ d□yi dey

برگردان: مادام که از رودخانه نگذشته است به ارمنی دایی می گوید (همان، ص. ۲۸۷).

چنین افرادی، برای نیل به اهدافشان، دیگران را دستاویز قرار می دهند و بعد از رسیدن به مقصود و خواسته خود، دیگر کسی را به هیچ نمی انگارند.

ه) شخصیت اجباری - وسواسی

از مشخصه های شخصیت وسواسی - اجباری، محدود بودن هیجانها، منظم و مرتب بودن، مداومت و پافشاری، سرسختی و یکدندگی، کمال طلبی و انعطاف ناپذیری است. این افراد نمی توانند چیزهای کهنه و یا بی ارزش را دور بیندازند، حتی اگر هیچ گونه ارزش عاطفی هم نداشته باشد. از خصوصیات دیگر این افراد، آن است که از تفویض وظایف خود به دیگران یا کارکردن با آنان، ابا دارند مگر آنکه افراد، برای انجام امور، کاملاً تسلیم روش او شده باشند. این افراد در پول خرج کردن برای خود و دیگران،

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک
خست می‌ورزند و پول را چیزی می‌دانند که باید برای روز مبادا پس‌انداز شود (قادری،
۱۳۹۰، ص. ۵۹).

مثال برای یک‌دندگی:

تویوق بیر قیشلیدور

Toyüg birgişlidür

برگردان: مرغ یک پا دارد (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۶۲).

مثال برای خست:

ساخلا سامانی گلر زامانی

Saxla samani gür zamani

برگردان: گاه را نگهدار، زمان استفاده‌اش فرا می‌رسد (همان، ص. ۱۸۲).

۵-۳. تعارض و توانمندی‌های دفاعی

تعارض حالت تنش و اضطراب ناشی از وجود دو میل متضاد در فرد است. روان‌شناسان از اصطلاح تعارض برای نشان دادن موقعیت‌هایی استفاده می‌کنند که در آن شخصی رویدادها، انگیزه‌ها، هدف‌ها، رفتارها یا تکانه‌های مخالف با هم را به شکلی هم‌زمان دارد.

۱-۵-۳. انواع تعارض

الف) موقعیتی که به‌طور هم‌زمان دارای دو ارزش مثبت و یکسان است (جاذب - جاذب)

در این نوع تعارض که تعارض گرایش - گرایش نیز نامیده می‌شود، فرد خود را در مقابل دو انتخاب دلپذیر، اما مغایر می‌بیند و حاضر نیست یکی از آنها را به نفع دیگری

کنار بگذارد. این تعارض، زمانی از بین می‌رود که شخص عملاً یا به‌طور ذهنی، بتواند در هر دو جنبه، گونه‌ای از احساس رضایت را کسب کند.

نه دیندن گچیر نه دیناردان

N□ dind□n ge□ir n□ din□rd□n

برگردان: نه از دین می‌گذرد و نه از دینار (همان، ص. ۴۴۰).

هم خدانی ایستیر هم خرمانی

H□m xüd□ni istir h□m xürm□ni

برگردان: هم خدا را می‌خواهد، هم خرما را (همان، ص. ۴۴۰).

(ب) موقعیتی که دارای دو ارزش منفی است (دافع - دافع)

در این نوع تعارض که تعارض اجتنابی - اجتنابی نیز نامیده می‌شود، فرد خود را در مقابل دو انتخاب یا هدف ناخوشایند می‌بیند. تعارض، ناشی از انتخاب یکی از دو موقعیت نامطلوب است. مردم این نوع تعارض را زمانی تجربه می‌کنند که مجبور می‌شوند بین بد و بدتر، یکی را انتخاب کنند. «در این نوع تعارض فرد مثبت، از یک هدف واقعی، هم‌گریزان است و هم به آن علاقمند می‌باشد» (نویسن، ۱۳۸۷، ص. ۹۵).

ایکی بند باز بیر اییده اویناماز

Iki b□ndb□z bir ipd□ oyn□m□z

برگردان: دو بند باز روی یک ریسمان بازی نمی‌کنند (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۰۷). معادل

مثل فارسی «دو پادشاه در یک اقلیم نگنجند».

ایکی گوزل بیر یاسدیقا باش گویماز

Iki goz□l bir y□sdig□ b□š goym□z

برگردان: دو زیباروی سرشان را روی یک بالش نمی‌گذارند (همان، ص. ۳۰۸). معادل مثل

فارسی «با یک دل دو دلبر نتوان داشت».

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک

ج) ناکامی

تعارض بین دو انگیزه متضاد از خاستگاه‌های عمده ناکامی است. وقتی بین دو انگیزه، تعارضی وجود داشته باشد، یکی از آن‌ها موجب ناکامی دیگری می‌شود؛ فرد می‌خواهد به اهداف مطلوب خود برسد، ولی با مانعی روبه‌رو می‌شود. عکس‌العمل‌های نادرست افراد می‌تواند باعث ناکامی‌های بزرگ‌تر آن‌ها، در رسیدن به اهدافشان باشد و مشکلاتشان را چند برابر کند.

دوزدان چیخدوخ نمکلیغا دوشدوخ

Düzdn □ ixdüX n □ m □ klig □ düšdūx

برگردان: از نمک درآمدم و در نمکزار افتادیم (همان، ص. ۱۹۱).

قورباغه آغزیندان قورتولدای ایلان آغزینا دوشدی

Gürb □ g □ gzin □ n gürtüldi il □ n □ gzin □ düšdi

برگردان: از دهان قورباغه رها شد و در دهان مار افتاد (همان، ص. ۱۹۱). معادل مثل

فارسی «از چاله برآمدم و در چاه شدیم».

برخی از روان‌شناسان به نقش ناکامی در رشد شخصیت اشاراتی کرده و وجود

مقداری ناکامی را برای رشد شخصیت انسان لازم می‌دانند. آن‌ها معتقد هستند که

هر چه سلامت روانی انسان بیشتر باشد، درجه گذشت در برابر ناکامی‌ها بالاست و

اگر کم باشد با حالات روان‌پریشی روبه‌رو خواهد شد (نوبین، ۱۳۸۷، ص. ۹۶).

هیچ فردی نیست که در موقعیت‌های تعارضی قرار نگیرد و با ناکامی روبه‌رو نشود؛

تنها راه چاره، تحلیل علل ایجاد تعارض و رفع آن به شکل منطقی است.

د) اضطراب

اضطراب یکی از مهم‌ترین مفاهیم در نظریه روان‌کاوی محسوب می‌شود که نه تنها نقش

مهمی در رشد شخصیت ایفا می‌کند بلکه در پویای مرتب با عملکرد شخصیت نیز

اهمیت دارد. «اضطراب، زیربنای تمام ناهنجاری‌های روانی است. هرگاه خطری ارگانیزم را تهدید کند، «خود» با ایجاد احساس نگرانی، شخص را آگاه می‌کند. به این ترتیب شخص با آن خطر به مقابله برمی‌خیزد یا از رویارویی با آن می‌پرهیزد» (شولتز، ۱۳۷۹، ص. ۶۴). در نظریه شناختی، اضطراب، یک واکنش شرطی در مقابل محیطی خاص است؛ رویدادها عامل اضطراب نیستند، بلکه تعبیر و تفسیر شخص از حوادث، عامل بروز اضطراب است.

اوغری پیشیک آغاجی گوتور ممیشن بللی اولار

O□ri pişik □□□ji gotürmamişdan bali ol□r

برگردان: گریه دزد، قبل از بلند کردن چوب (با رفتارش) معلوم می‌شود (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۴۴۵).

آقاش گورنده هیز ایت قاچار

□g□ş gor□nd□ hiz it g□□□r

برگردان: سگ هیز با دیدن چوب، فرار می‌کند (همان، ص. ۵۷). معادل مثل فارسی «آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه پاک است».

بنابراین اضطراب، فرد را آگاه می‌کند که «خود» مورد تهدید است و باید کاری انجام داد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۶-۳. مکانیسم دفاعی

وقتی شخصیت در اثر تضادها، دچار تنیدگی روانی می‌شود، برای رهایی از آن فشارهای روانی، ناآگاهانه به مکانیسم‌های دفاعی متعددی دست می‌زند که سبب سازگاری فرد با محیط می‌شود.

فروید، اصطلاح مکانیسم دفاعی را به آن دسته از تدابیر ناهشیاری اطلاق می‌کند که آدمی برای حل و فصل هیجان‌های منفی به‌کار می‌برد. این تدابیر هیجان‌مدار،

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک

موقعیت تنش‌زا را تغییر نمی‌دهد، فقط شیوه دریافت یا اندیشیدن شخص را نسبت به آن عوض می‌کند. در واقع در همه مکانیسم‌های دفاعی، عنصر خودفریبی در کار است (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۵۱۰).

از دیدگاه فروید مکانیسم دفاعی انواعی دارد؛ از جمله واپس‌رانی، سرکوبی، همانندسازی، فرافکنی، جبران، واکنش‌سازی و جانشین‌سازی و... (سیاسی، ۱۳۵۶، ص. ۹۶) که هر کدام از این مکانیسم‌های دفاعی با ذکر شاهد مثال از ضرب‌المثل‌های ترکی، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۶-۱. واپس‌رانی

«فروید، واپس‌رانی را مهم‌ترین مکانیسم دفاعی و مکانیسمی بنیادی به‌شمار می‌آورد. در واپس‌رانی، خاطره‌هایی که تهدیدی سخت یا رنج فراوان دربر دارند، از میدان هشیاری بیرون رانده می‌شود» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۵۱۰). کشمکش‌هایی که واپس‌زده باقی می‌مانند از نظر کیفیت و شدت، تغییر پیدا نمی‌کنند و چون نیروی پویایی خود را حفظ می‌کنند، دائماً در جهت اظهار وجود تلاش می‌کنند و به طرق یا شیوه‌های دیگر در رؤیا و لغزش‌های زبانی و یا در جنبه‌های دیگر زندگی، ظاهر می‌شوند» (کلارنس، ۱۳۷۰، ص. ۹۰).

پروژه گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ایتیمز امک ایتیمز

Igit m k itirm z

برگردان: مرد، حق نان و نمک را فراموش نمی‌کند (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۸).

معادل مثل فارسی «نقش از گلیم می‌رود از دل نمی‌رود».

خنجر یاراسی گندر گنتمز دیل یاراسی

X nj r y r si ged r getm z dil y r si

برگردان: زخم خنجر التیام می‌یابد، اما زخم زبان همواره بدتر می‌شود (همان، ص. ۴۹۴).
معادل مثل فارسی «بیرون نرود حدیث ناخوب از دل».

۳-۶-۲. سرکوبی

فروید دریافت که راندن خاطرات مصیبت‌بار یا تهدیدکننده به ضمیر ناخودآگاه، حاصل نوعی تعارض ذهنی بین بخشی است؛ بخشی که می‌خواهد عواطف نامطبوع را بیان کند و بخشی که می‌خواهد آن را سرکوب سازد. او جریان دور کردن خاطرات را که نوعی مکانیسم فعال است سرکوبی نامید و آن را اضطراری و کاملاً ناخودآگاه می‌دانست (اسنودن، ۱۳۸۸، ص. ۴۰). بنابراین می‌توان گفت که سرکوبی «فرایندی آگاهانه یا نیمه‌آگاهانه است که فرد، خواسته‌ها و امیال خود را مهار می‌کند یا به‌طور موقت، خاطرات ناراحت‌کننده را کنار می‌گذارد و به آن‌ها نمی‌اندیشد. در این مکانیسم، اندیشه، مفهوم یا آرزویی، از هوشیاری بیرون رانده می‌شود» (پروین و جان، ۲۰۲۱، ص. ۷۶). در واقع «سرکوبی، یک توانمندی دفاعی است که شخصیت‌های بهنجار به‌کار می‌برند، زیرا این فراموشی و حذف ارادی، مستلزم داشتن شخصیتی قوی و نیرومند می‌باشد» (کلارنس، ۱۳۷۰، ص. ۹۲).

آغلادیم ایشیم کچمدی ایندی بیر آزدآگولوم

□□I□dim iřim ke□m□di indid□ bir □z g÷l÷m

برگردان: با گریه کردن کارم به سامان نرسید حالا کمی نیز بخندم (همان، ص. ۲۵۸) (احاله آگاهانه افکار و امیال).

دنیا نی چتین توتما نجه توتسون ایله گچر

D÷ny□ni □□tin t÷tm□ ne□□ t÷tson eyl□ ge□□r

برگردان: دنیا را سخت نگیر، دنیا را هر جور بگیری آنگونه می‌گذرد (همان، ص. ۷۹).
معادل مثل فارسی «سخت می‌گیرد جهان بر مردمان سخت‌کوش».

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک

۳-۶-۳. همانندسازی

در این مکانیسم، شخص ناآگاهانه خود را در قالب فرد دیگر قرار می‌دهد؛ افکار، اخلاقیات، رفتار و سلیقه وی را الگوبرداری می‌کند؛ ویژگی‌های مطلوب فرد دیگر را تقلید می‌کند و دیگران را الگوی خود قرار می‌دهد و از این طریق، احساس ارزشمندی در وجود او به وسیله همانندسازی با شخصیت‌های برجسته و نامدار، افزایش می‌یابد (کریمی، ۱۳۸۹، ص. ۷۲). «همانندسازی غالباً با مکانیزم درون‌فکنی همراه است؛ بدین معنی که شخص خود را به فرد یا گروهی همانند می‌سازد که رفتار و اندیشه‌های او یا آن‌ها را پذیرفته و درون‌فکنی کرده است» (فروید، ۱۳۹۲، ص. ۶۱).

سیچاننان اولان داوارچیق دیبی دلر

Si□□nn□n ol□n d□v□r□ig dibi d□l□r

برگردان: هم‌نشین موش، مانند موش، توبره چرمی را سوراخ می‌کند (مجیدی، ۱۳۸۹، ص.

۳۸۳).

آتی آت یانیندا باغلاسان هم‌رنگ اولماسادا هم‌خوی اولار

□ti □t y□nind□ b□□l□s□n h□mr□ng olm□s□d□ h□mxü ol□r

برگردان: اگر اسب را پیش اسب دیگری ببندی هم‌رنگ هم نشود، هم‌خو می‌شود (همان،

ص. ۳۸۳)

۳-۶-۴. فرافکنی

«در همه ما ویژگی‌ها و صفات ناخوشایندی هست که آن‌ها را حتی از خودمان پنهان می‌کنیم و به کمک مکانیسمی ناهشیار به نام فرافکنی، به شکل اغراق‌آمیزی به دیگران نسبت می‌دهیم تا به وجود آن‌ها در خودمان اذعان نکنیم» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۵۱۲). «در این سازوکار دفاعی، فرد تکانه‌ها، افکار، ناتوانی‌ها و تمایلات

نامقبول خود را به جهان بیرون فرا می‌افکند و دیگران را هم با خود همسو می‌داند و از این طریق سعی می‌کند تا از اضطرابش کاسته شود» (فیست، ۱۳۸۷، ص. ۵۳).

هر کیمین باغی وار اورگینده داغی وار

Hörkimin baki vör örğindä diki vör

برگردان: هر که را باغی است در دلش داغی است (همان، ص. ۳۰۰). معادل مثل فارسی

«خوشدلی در کوی عالم روی نیست».

چوخ گولن چوخ آغلار

ox gülün ox olır

برگردان: آن که خندید بیش، بیش گریست (همان، ص. ۳۴۴).

در فرافکنی، شخص ناتوانی‌های خود را به جهان بیرون فرا می‌افکند، دیگران را با

خود همسو می‌کند و سعی می‌نماید از این طریق، به رضایت درونی نائل شود.

۳-۵-۶. جبران

فروید می‌گوید: «جبران، فرایندی است که روان شخص، برای پوشش گذاشتن بر کمبودها و مشکلاتش به کار می‌بندد و از این طریق در وجود شخص، تعادلی برقرار می‌سازد که پیش از جبران، وجود نداشته و یا از بین رفته بوده است» (فروید، ۱۳۹۲، ص. ۳۲).

افراد برای جبران شکست و پوشاندن عیب خود، گاه به سرزنش دیگران می‌پردازند و به این طریق از نظر خویش، حرمت ذات خود را حفظ می‌کنند. اگر فرد نتوانسته باشد در اثر فقدان معلومات یا توانایی فنی لازم، به شغلی دسترسی پیدا کند، برای جبران این شکست، سعی می‌کند ارزش مقام، شغل و مرتبه کسی را که در آن جایگاه است، پایین بیاورد و درباره پوچ بودن آن شغل، داد سخن می‌دهد (احمدوند، ۱۳۶۸، ص. ۵۵).

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک

کلاهون سات‌گینان خرجات طفیلی اولما نامرده

kol hün s t gin n x rjet tofeili olm n m rd

جاهاندا کله ساغ اولسون کلاه اسگیگ دگل مرده

J h nd k ll s olsün kol h sgik d gil m rd

برگردان: کلاهت را (که نشانه بزرگی و مقام است) بفروش و خرج کن ولی طفیلی نامرد

نشو. سرت سلامت باشد در دنیا کلاه برای مرد، کم نیست (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۷).

بعد از آنکه شخص مقام و حرمت خود را ازدست رفته می‌بیند، به‌صورت خودآگاه

یا ناخودآگاه، برای پوشش گذاشتن بر کمبودها و مشکلات و احساس حقارت واقعی یا

واهی، به رفتاری جبرانی روی می‌آورد.

۳-۶-۶. واکنش‌سازی

به کمک این مکانیسم در فرد خصوصیات خلقی و رفتاری خاصی پدید می‌آید که

معمولاً نقطه مقابل تمایلات درونی شخص است و به عبارت دیگر، سرکوبی

آرزوها و خواست‌های خطرناک و ایجاد خودآگاهانه آرزوها و خواست‌هایی که

کاملاً با آنها مغایرت دارد و همچنین بیان مطالب و ابراز علایقی که با امیال و

علایق درونی و ناخودآگاه فرد تضاد دارد، به واکنش‌سازی موسوم است (احمدوند،

۱۳۶۸، ص. ۹۰).

دوینا سنن اولماسادا سنن دونیانتان جورگل
پیش‌کش علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Düny s nn n olm s d s n düny yn n jürg l

برگردان: اگر دنیا با تو نسازد تو با دنیا بساز (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۵۴۹). معادل مثل فارسی

«با آنکه خصومت نتوان کرد، بساز».

در این نوع مکانیسم، شخص به‌سبب ناتوانی از انجام کار یا مسئولیتی، آن کار را

رها می‌کند و در مقابل مشکلات، به نوعی سازگاری و تفاهم روی می‌آورد. مثلاً نسبت

به کسی که از او خشمگین است، اظهار ادب می‌کند.

۳-۶-۷. جانشین سازی

جانشین سازی یعنی: «جایگزینی ناخودآگاه یک هدف هیجانی یا یک شیء بسیار با ارزش ولی غیر قابل دسترس یا نامعقول، با یک هدف یا شیء قابل دسترسی که مقبول همگان است» (کلارنس، ۱۳۷۰، ص. ۹۹)؛ یعنی انگیزه‌ای که از راه معینی ارضا نشود به کمک مکانیسم جانشین سازی، به مجرای تازه‌ای رانده می‌شود. فروید تأکید می‌کند که «به نظر نمی‌رسد که جانشین سازی بتواند تکانه‌های ناکام شده را از بین ببرد، اما در مواردی که سابق اساسی ناکام می‌ماند، فعالیت‌های جانشین، قطعاً موجب کاهش تنش می‌شود» (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۵۱۳).

تولکوسن آسلانلا چیخما ساوشا

Tülküsn slnl ixm svš

برگردان: اگر روباهی با شیر جنگ نکن (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۲۶۰). معادل مثل فارسی: «با

آنکه خصومت نتوان کرد، بساز».

اشکه گوجی چاتمی پالاین تاپدی

Eššk gūji tmey p l nin t pdey

برگردان: زورش به الاغ نمی‌رسد پالانش را می‌زند (همان، ص. ۲۳۳).

مکانیسم جانشین سازی گاهی اوقات ارزشمند است، زیرا شخص را قادر می‌سازد تا ناراحتی‌های عاطفی راه، بی‌آنکه متوجه اصل مبدل آن شود، بر سر شخص بی‌طرفی خالی کند، و به این طریق، از خطر ازدست دادن روابط نیکو و انتقام احتمالی از مبدل ناراحتی که، معمولاً شخص قوی‌تری است، اجتناب نماید (احمدوند، ۱۳۶۸، ص. ۱۰۸).

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک

۷-۳. انگیزش

انگیزش، مجموعه شرایطی است که به رفتار نیرو می‌دهد و جهت می‌بخشد. انگیزش‌ها، از دو منبع سرچشمه می‌گیرند: عوامل سایق درونی و عوامل مشوق بیرونی. انگیزه‌های درونی، به گرایش‌های دور و نزدیک فرد نیرو می‌دهند و رویدادهای بیرونی، مشوق‌هایی هستند که فرد را برای پرداختن یا نپرداختن به عملی خاص جذب یا دفع می‌نمایند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۳۹۲).

«انگیزش، مفهوم وسیعی می‌باشد که توصیف‌کننده عوامل مؤثر در انرژی و رفتار ماست و نیازها، علائق، ارزش‌ها، گرایش‌ها و اشتیاق‌ها را نیز دربر می‌گیرد» (لانیئر، ۱۳۷۴، ص. ۴۷).

انگیزه‌ها را به دو گروه انگیزه‌های اکتسابی و انگیزه‌های ذاتی تقسیم می‌کنند:

۱-۷-۳. انگیزه‌های اکتسابی

مهم‌ترین ویژگی این انگیزه‌ها، پیدایش آن‌ها از طریق عوامل محیطی و اجتماعی است. افراد این انگیزه‌ها را از طریق آموزش و تجربه کسب می‌کنند و یادگیری در آن، نقش اساسی را ایفا می‌کند. مانند انگیزه شهرت‌طلبی.

۲-۷-۳. انگیزه‌های ذاتی

آن دسته از انگیزه‌هایی که از آغاز تولد، همراه آدمی بوده، و نیازی به آموختن ندارند. ویژگی اصلی انگیزه‌های ذاتی، فطری و غریزی بودن آن‌هاست، مانند انگیزه میل به حیات. انگیزه‌های ذاتی خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: عادات و وقایع مهم.

۱-۲-۷-۳. عادات

عادت در لغت به معنای خوگرفتگی است؛ کاری که انسان به آن خو می‌گیرد و در وقت معین انجام می‌دهد.

از نظر معنای اصطلاحی، عادت، رفتاری می‌باشد که انسان بارها به آن باز می‌گردد و تکرار می‌کند؛ رفتاری که بارها و بارها تکرار می‌شود تا به یک معنا، جزء طبیعت ثانوی انسان می‌گردد، می‌تواند خوب یا بد باشد. گاه انسان، چنان گرفتار عادت رفتاری است که ترک آن دشوار خواهد بود و اگر به زور و اجبار ترک داده شود، موجب بیماری خواهد شد (زرین‌کوب، ۱۳۵۷، ص. ۲۸۹).

دادانمیشان دولمیا بلکه بیرگون اولمیا

Dādānmīšān dolmiyā bēk bīrgūn olmiyā

برگردان: عادت کرده‌ای به دلمه، شاید یک روز نباشه (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۲۶۱).

عادات به دو دسته مثبت و منفی تقسیم می‌شوند. عادات منفی، در پایان عواقب تلخ و اندوه فراوان به بار می‌آورند و عادات مثبت، اگرچه ممکن است در ابتدا سخت باشند، اما منتهی به کامیابی‌های پیاپی خواهند شد.

۲-۲-۷-۳. وقایع مهم

درک و شناسایی وقایع زندگی یکی از اساسی‌ترین موضوعات در کیفیت و تحول مثبت یا منفی زندگی انسان است؛ خاطره این‌گونه وقایع می‌تواند انگیزه‌ای مهم در زندگی افراد به‌شمار بیاید و در سلامت روانی و رضایت‌مندی یا نارضایتی او از زندگی، نقش مهمی ایفا کند. مثلاً یک تصادف مهم، می‌تواند منشأ ترس دائمی از اتومبیل شود و یک تحقیر، ممکن است در تمام عمر، شخص را درگیر صرف وقت برای رفع عوامل آن کند.

بیر دفعه دوشن دها دوشمز

Bīr dafā dūšān dāhā dūšmāz

برگردان: کسی که یک بار افتاد، دیگر نمی‌افتد (همان، ص. ۳۸۲).

دوست داشی بَرک اینجیدر

Dost dāshī bārak īnjīdr

برگردان: سنگی که دوست بزند، بسیار دردناک است (همان، ص. ۴۰۸).

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک

۸-۳. کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی

روان‌شناسی اجتماعی، مطالعه علمی روش‌هایی است که طبق آن‌ها، افکار، احساسات و رفتارهای افراد، تحت تأثیر حضور واقعی یا خیالی دیگران قرار می‌گیرند. «البته تأثیر محیط و طبیعت بر فرد هم قابل توجه است. به نظر روسو، انسان ذاتاً پاک و بی‌غرض آفریده شده است، ولی وقتی که تمدن و اجتماع بر او تأثیر می‌گذارد، آن وقت معایش ظاهر می‌گردد» (آرونسون، ۱۳۸۷، ص. ۲۹). از انواع رفتارهای اجتماعی فردی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۸-۳. هم‌رنگی با جماعت

هم‌رنگی با جماعت یعنی «تغییر در رفتار یا عقاید شخص، در نتیجه اعمال فشار واقعی یا خیالی از طرف فردی دیگر یا گروهی از مردم» (همان، ص. ۴۷). «گاهی مردم در برابر فشار هنجارهای مسلط، با اعلام اینکه با دیگران موافقت می‌کنند، خود را از خطرات می‌رهانند. در حالی که باطناً با نظر جمع موافق نیستند و رفتار آنان در خلوت، با آنچه در جمع نشان می‌دهند، متفاوت است» (کریمی، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۵). آرونسون از روان‌شناسان اجتماعی معاصر، برای هم‌رنگی دو دلیل بیان می‌کند: «اول، رفتار دیگران ما را متقاعد سازد که فضاوت اولیه ما اشتباه بوده است. دوم، مایل باشیم از تنبیه گروه، مانند طرد شدن و مورد تمسخر قرار گرفتن، احتراز جوییم و از آن پاداشی (مانند دوستی و مقبولیت) کسب کنیم» (آرونسون، ۱۳۸۷، ص. ۵۴).

براساس تحلیل روان‌شناسان، انسان دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است. جنبه فردی وی غالباً تحت تأثیر جنبه اجتماعی قرار می‌گیرد و به دلایل متعدد، خود را با دیگران هم‌رنگ می‌کند؛ افرادی که عزت نفس کم‌تری دارند، زود به فشارهای بیرونی تن می‌دهند و به دلیل ترس از اموری مانند مورد تمسخر قرار گرفتن، با

جمع هم‌نوایی می‌کنند. لذا در این هم‌نوایی، منطق حاکم نیست و صرفاً تبعیتی کورکورانه است. ولی اشخاصی که دارای اندیشه و رأی مستقل می‌باشند و عزت نفس بالایی دارند، کم‌تر تحت تأثیر اجتماع قرار می‌گیرند (کارکن، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۰).

کنده گیردون هامی کور سنده کور

k□nd□ girdün h□mi kor s□nd□ kor

برگردان: وارد ده شدی، دیدی همه کور هستند تو هم کور باش (مجیدی، ۱۳۸۹، ص.

۲۹۳).

پالازا بورون الین سورون

P□l□z□ bürün elin□n sürün

برگردان: پلاس بیوش و با جامعه بجوش و یکی شو (همان، ص. ۳۹۴).

۲-۸-۳. پیش‌داوری

نوعی نگرش منفی و خصمانه نسبت به گروهی مشخص است که این نگرش منفی براساس تعمیم‌های ناقص و نادرست به‌وجود آمده است. «یکی از علل پیش‌داوری در شخص، نیاز وی به توجیه رفتارش است. مثلاً اگر کسی نسبت به فردی بی‌رحمی کرده باشد، سعی می‌کند او را تحقیر کند تا بی‌رحمی خود را توجیه نماید» (ستوده، ۱۳۷۸، ص. ۱۷۲).

یاخشیلیخا یاخشیلیخ یامانلیقا یامانلیق

Y□xšilix□ y□xšilix y□m□nliq□ y□m□nliq

برگردان: نیکی در برابر نیکی و بدی در برابر بدی (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۴). معادل مثل

فارسی «با بدن بد باش با نیکان نکو».

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک

۹-۳. عزت نفس و توجه به آن به عنوان یکی از نگرش‌ها

نگرش، همان دوست داشتن‌ها و دوست نداشتن‌هاست؛ یعنی مطلوب یا نامطلوب ارزیابی کردن اشیاء، افراد، موقعیت‌ها یا هر جنبه دیگری از جهان؛ نگرش‌ها، بیانگر احساسات هستند و اغلب با شناخت‌ها به‌ویژه باورهای مربوط به موضوعات نگرش، پیوند دارند و در مقایسه با عقاید، خیلی به دشواری تغییر می‌یابند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۶۱۱).

عزت نفس یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتار در انسان است و برداشت و قضاوتی که افراد از خود دارند، تعیین‌کننده چگونگی برخورد آن‌ها با مسائل مختلف است. فردی که عزت نفس پایین دارد و برای خود ارزش و احترامی قائل نیست، ممکن است دچار انزوا، گوشه‌گیری، پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی شود. عزت نفس را می‌توان مجموعه‌ای از افکار، احساسات، عواطف و تجربه‌هایی تصور کرد که در فرایند زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد. مجموعه هزاران برداشت، ارزیابی و تجربه‌ای که فرد از خود دارد، باعث می‌شود که نسبت به خود احساس خوشایند، ارزشمند بودن یا برعکس آن را داشته باشد؛ در مواجهه با مشکلات، اطمینان و اعتماد بیشتری از خود نشان دهد و برای رسیدن به هدفش نهایت سعی و تلاش را به کار گیرد (نیری و کاظمی، ۱۳۹۹، ص. ۲۷).

اوز ائون قوری چورکی اوزگه نین پلونان باشدی

Oz evön güri □or□gi ozg□nin plün□n b□şdi

برگردان: نان خشک خانه خودت، از پلوی دیگران، برتر است (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۴۰۹). معادل

مثل فارسی «عزت ز قناعت است و خواری ز طمع»

گنشمه نامرد کورپیسین قوی آپارسین سیل سنی

Geşm□ n□m□rd korpüsün□n goy □p□rsin sel s□ni

برگردان: از پل نامرد نگذر، بگذار سیل تو را ببرد (همان، ص. ۴۰۹). معادل مثل فارسی «مردن به عزت به از زندگی با ذلت».

۱۰-۳. جبر متقابل به عنوان یکی از رفتارهای اجتماعی

عوامل شخصی (باورها، انتظارات، نگرش‌ها)، رویدادهای محیطی (فیزیکی و اجتماعی) و رفتارهای افراد (عملی و کلامی) در یکدیگر، تأثیر متقابل دارند و هیچ یک از این سه جزء را نمی‌توان جدا از اجزای دیگر به عنوان تعیین کننده رفتار انسان به حساب آورد. بندورا این تعامل سه جانبه را تعیین‌گری متقابل (جبر متقابل) نامیده است. رویدادهای محیطی بر رفتار تأثیر می‌گذارند؛ رفتار، محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ عوامل شخصی بر رفتار اثر می‌گذارند (سیف، ۱۳۷۰، ص. ۱۷۵).

یعنی فرد قادر به مشاهده و تعبیر و تفسیر آثار رفتار خود است و با این کار تعیین می‌کند که کدام رفتارها در کدام موقعیت‌ها مناسب هستند و با توجه به شرایط و موقعیت، بسیاری از رفتارهای خود را به منظور به دست آوردن پاداش یا اجتناب از ناراحتی‌های پیش‌بینی شده، شکل می‌دهد و انتخاب می‌کند.

دویمه تاخدا قاپیمی، دویلر دمیر قاپویی

Dom t xd g pimy doy l r d mir g pui

برگردان: در تخته‌ای مرا مکوب که در آهنیت را خواهند کوبید (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۵۷۴). معادل مثل فارسی «دنیا دار مکافات است.»

نه توکرسن آشوا اودا گلر قاشوقوا

N tok rs n šüv g l r q šüqüv

برگردان: هر چه در آشت بریزی همان نیز به قاشقت می‌آید (همان، ص. ۲۱۰).

تیکان اکن گل گتورمز

Tik n k n gül gotürm z

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک

برگردان: هر کس خار بکارد، گل درو نمی‌کند (همان، ص. ۲۱۰).

۱۱-۲. تقلید به‌عنوان یکی از رفتارهای اجتماعی

«تقلید، نوعی فعالیت مربوط به پردازش اطلاعات است و هم‌زمان با مشاهداتی که شخص از جهان اطراف خود دارد، اطلاعاتی به مجموعه داشته‌های شناختی او راه یافته و مورد پردازش قرار می‌گیرد، که بعدها الگویی برای عمل او خواهد بود» (آقاهیرانی و همکاران، ۱۳۷۵، ص. ۵۵۷). افرادی که اعتماد به نفس پایینی دارند بیشتر از رفتار الگو، تقلید می‌کنند.

بحثلن حجه گدن چوللرده سرگردان قالار

B□h□sn□n h□jj□ ged□n □oll□rd□ s□rg□rd□n g□l□r

برگردان: هر که با چشم وهم‌چشمی و تقلید به حج برود، در بیابان‌ها سرگردان ماند (مجیدی، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۱). معادل مثل فارسی: «خلق را تقلیدشان بر باد داد».

بیری دوشسه قویا سنده گرک دوشسن؟

biri dūš□ qüy□ s□nd□ g□r□k dūš□s□n?

برگردان: اگر کسی در چاه افتاد تو هم باید بیفتی؟ (همان، ص. ۲۹۱).

تقلیدی به‌عنوان یک ارزش اجتماعی، مقبول است که آگاهانه و بر مبنای منطق و مثبت‌اندیشی باشد؛ وگرنه تقلید جاهلانه و کورکورانه نه‌تنها مفید و مثمر نیست، بلکه مانع خلاقیت می‌شود.

۴. نتیجه

از میان شاخه‌های مختلف ادبیات عامه اقوام آذری، ضرب‌المثل‌های ترکی با گسترهٔ اعجاب‌انگیز خود، نقش گفتمانی ویژه‌ای در میان اقوام ترک‌زبان ایفا می‌کنند. این جملات کوتاه و ساده، شامل مضامینی هستند که اغلب با حوزه‌های مطالعاتی علوم

مختلف در ارتباط هستند و تأثیر بسیار عمیقی بر افکار و اعمال افراد می‌گذارند؛ بررسی روان‌شناختی ضرب‌المثل‌های ترکی، نشان می‌دهد که مثل‌ها می‌توانند ما را با انواع ویژگی‌های شخصیتی، وراثتی، رشد و قضاوت‌های اجتماعی و روش‌های تربیتی و فرزندپروری گذشتگان آشنا سازند. مطالعه جلوه‌های فرهنگی زبان ترکی، از جمله بررسی و تحلیل ضرب‌المثل‌ها، علاوه بر بیان مضامین حکمی، تربیتی و اخلاقی، اطلاعات ارزشمندی را در زمینه یادگیری افراد، تفاوت‌های فردی، انگیزش و هیجان، کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی، تعارضات روان‌شناختی، چگونگی خلق و خوی، شخصیت فردی و اجتماعی گویندگان آن‌ها، در اختیار می‌گذارد که اغلب با نظریه‌های علمی روان‌شناختی قابل بررسی است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که خمیرمایه اصلی اغلب امثال و حکم ترکی، براساس جوهره اخلاقی استوار است. گویندگان مثل‌ها با مبانی تربیتی و خصلت‌های روحی و روانی افراد آشنایی داشته‌اند و نسبت به تجربیات علمی زمان خود، بهترین و والاترین مضامین اخلاقی و تربیتی را بیان کرده‌اند. و نمونه‌های بسیاری را می‌توان شاهد مثال آورد که رعایت اصول اخلاقی را در تمام مراحل زندگی، گوشزد می‌کند. از طرفی دیگر بررسی امثال نشان داد که در بیشتر امثال، تداعی معانی وجود دارد، زیرا دیدن وقایع زندگی، به دلیل شباهت آن‌ها با ماجرا یا پیام مندرج در امثال، آن‌ها را در ذهن فرد تداعی می‌کند.

منابع

- آرونسون، ا. (۱۳۸۷). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه ح. شکرگن. تهران: رشد.
- آقانهانی، م.، ساجدی، ا.، بی‌ریا، ن.، زارعان، م.، حقانی، ا.، مصباح، ع.، رهنما، ا. و شاملی، ع. (۱۳۷۵). روان‌شناسی رشد: با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت.

تحلیل و بررسی روان‌شناختی برگزیده‌ای از ضرب‌المثل‌های..... سکینه پیرک
اتکینسون، ر.، اسمیت، ا.، اتکینسون، ر.، بم، د.، نولم، س. و هوکسما (۱۳۸۵). متن کامل زمینه
روان‌شناسی هیلگارد. ترجمه م. براهنی، ب. بیرشک، م. بیگ، ر. زمانی و س. شاملو. تهران:
رشد.

احمدوند، م. (۱۳۶۸). مکانیسم‌های دفاعی روان. تهران: بامداد.
اسنودن، ر. (۱۳۸۸). خودآموز فروید. ترجمه ن. رحمانیان. تهران: آشیان.
الهوردی ضیایی، ن. و خانجانی، ز. (۱۳۹۸). خودپنداره بدنی و نشانه‌های اختلال
خودشیفتگی: مقایسه بین گروه عادی و خودشیفته. پژوهش‌های نوین روان‌شناسی،
ویژه‌نامه اولین کنگره دوسالانه تازه‌های روان‌شناسی و علوم رفتاری دانشگاه تبریز، صص
۱۰-۱.

بهمنیار، ا. (۱۳۶۹). داستان‌نامه بهمنیاری. تهران: دانشگاه تهران.
پارسا، ا. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل علمی و ادبی امثال و حکم پارسی. تهران: پژوهشگاه علوم
انسانی و مطالعات فرهنگی.

پروین، ل. و الیور، ج. (۱۴۰۰). شخصیت. ترجمه پ. کدیور و م. جوادی. تهران: آبیژ.
تایسن، ل. (۱۳۸۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. ترجمه م. حسین‌زاده. تهران: نگاه امروز.
ذوالفقاری، ح. (۱۳۹۲). فرهنگ ضرب‌المثل‌های فارسی. تهران: علم.
رایکمن، ر. (۱۳۹۱). نظریه‌های شخصیت. ترجمه م. فیروزبخت. تهران: ارسباران.
زرین‌کوب، ع. (۱۳۵۷). تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن. ترجمه م. کیوانی. تهران: سخن.
ستوده، ه. (۱۳۷۸). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: آوای نور.
سیاسی، ع. (۱۳۵۶). روان‌شناسی شخصیت. تهران: امیرکبیر.
سی برلانیر، د. (۱۳۷۴). روان‌شناسی تربیتی. ترجمه غ. خوی‌نژاد، ج. طهوریان، ح. لطف‌آبادی،
م. منشی طوسی و م. نظری‌نژاد. مشهد: مؤسسه انتشارات حکیم فردوسی.
سیف، ع. (۱۳۷۰). روان‌شناسی پرورشی نوین. تهران: آگاه.
شولتز، د. (۱۳۸۱). نظریه‌های شخصیت. ترجمه ی. کریمی، تهران: ارسباران.

- صمیمی اردستانی، م. (۱۳۹۶). *بایبینی بیماری یا پدیده‌های اجتماعی*. تهران: قطره.
- علامی مهمان دوستی، ذ. و داودی پناه، ن. (۱۳۹۴). بررسی مکانیسم دفاعی اسفندیار در نبرد با رستم. *ادبیات پهلوانی*، ۴، ۷۱-۱۰۰.
- فرزید، ز. (۱۳۹۲). *مکانیسم‌های دفاعی روان*. ترجمه ح. گوهری‌راد و م. جوادی. تهران: رادمهر.
- فیست، ج. و فیست، گ. (۱۳۸۷). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه ی. سیدمحمدی. تهران: روان.
- قادری، ا. (۱۳۹۰). اختلال شخصیت وسواسی - اجباری. *روانشناسی شادکامی و موفقیت*، ۱۷، ۵۹.
- کارکن بیرق، ح. (۱۳۹۲). نگرشی روان‌شناختی، آگزیستانسیالیستی و قرآنی به مقوله هم‌رنگی با جماعت. *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، ۴(۲)، ۱۱۳-۱۴۴.
- کدیور، پ. (۱۳۹۰). *روانشناسی تربیتی*. تهران: سمت.
- کریمی، ی. (۱۳۸۹). *روانشناسی شخصیت*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- کریمی، ی. (۱۳۷۸). *روانشناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)*. تهران: ارسباران.
- کلارنس ج. ر. (۱۳۷۰). *مباحث عمده در روان‌شناسی*. ترجمه ج. وهابزاده. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- مجیدی ذوالبنین، ح. (۱۳۸۹). *ضرب‌المثل‌های آذربایجان*. تهران: اکباتان.
- مصباح یزدی، م. (۱۳۷۳). *آموزش فلسفه*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- معبود، ت. (۱۳۸۷). *حکمت‌لی مثل‌لر*. تهران: عطایی.
- نوبین، ح. (۱۳۸۷). تحلیل روان‌شناختی امثال و حکم فارسی، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۱۰، ۸۵-۱۰۸.
- نیری، م. و کاظمی تربقان، م. (۱۳۹۹). بررسی رابطه عزت نفس و انسجام درونی با بحران هویت دانشجویان. *پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۳ (۲۹)، ۲۶-۴۹.
- یوسفی، م. (۱۳۸۹). اختلال شخصیت نمایشی (هیستریک). *روانشناسی شادکامی و موفقیت*، ۱۳، ۴۶-۴۷.

References

- Agha Tehrani, M., Sajedi, A., Biriya, N., Zarean, M., Haqqani, A., Misbah, A., Rahnama, A., & Shameli, A. (1996). *Psychology of development: with an attitude to Islamic sources*. Samt.
- Ahmadvand, M. (1989). *Psychological defense mechanisms*. Bamdad.
- Allahverdi Ziyai, N., & Khanjani, Z. (2018). Body self-concept and symptoms of narcissistic disorder: a comparison between normal and narcissistic groups. *New Researches in Psychology*, 10-1.
- Allami Mehman Dosti, Z., & Davoudi Panah, N. (2014). Investigating the defensive mechanism of Esfandiari in the battle with Rostam. *Heroic Literature*, 4, 71-100.
- Aronson, E. (2008). *Social psychology* (translated into Farsi by H. Shokrkon) Roshd.
- Atkinson, R., Smith, E., Atkinson, R., Bam, D., Nolm, S. & Hoeksma. (2006). *The full text of Hilgard's field of psychology* (translated into Farsi by M. Barahani, B. Birashk, M. Beyk, R. Zamani, and S. Shamlou). Roshd.
- Bahmanyar, A. (1990). *The story of Bahmaniari*. University of Tehran.
- Berlanier, D. (1995). *Educational Psychology* (translated into Farsi by Gh. Khoynejad). Unknown.
- Clarence J, R. (1991). *Major topics in psychology* (translated into Farsi by J. Vahabzadeh). Islamic Revolution Publications and Education.
- Feist, J., & Feist, G. (2008). *Theories of personality* (translated into Farsi by Y. Seyed Mohammadi). Ravan.
- Freud, S. (2012). *Mind defense mechanisms* (translated into Farsi by H. Gohari Rad, and M. Javadi). Radmehr Publications.
- Kadivar, P. (2011). *Educational psychology*. Samt.
- Karimi, Y. (1999). *Social psychology (theories, concepts and applications)*. Arasbaran.
- Karimi, Y. (2010). *Personality psychology*. Payam Noor University.
- Karkon Beyrag, H. (2013). A psychological, existentialist and Quranic approach to the category of matching with the congregation. *Interdisciplinary Researches of the Holy Quran*, 4(2), 113-144.
- Maabood, T. (2008). *Hekmat Li Meslr*. Atai.
- Majidi Zolbanin, H. (2010). *Proverbs of Azerbaijan*. Ekbatan.

- Misbah Yazdi, M. (1994). *Teaching philosophy*. Islamic Propaganda Organization.
- Nayyeri, M., & Kazemi Torbeghan, M. (2019). Investigating the relationship between self-esteem and internal coherence with students' identity crisis. *New Advances in Psychology, Educational Sciences and Education*, 3(29), 26-49.
- Novin, H. (2008). Psychological analysis of Persian proverbs. *Persian Language and Literature Research*, 10, 85-108.
- Parsa, A. (2015). *Persian proverbs and maxims: an analysis and literary description*. Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Pervin, L., & John O. (2021). *Personalities* (translated into Farsi by P. Kadivar, and M. Javadi). Aiizh.
- Qaderi, A. (2011). Obsessive-compulsive personality disorder. *Psychology of Happiness and Success*, 87, 59.
- Ryckman, R. (2011). *Personality theories* (translated into Farsi by M. Firouzbakht). Arasbaran.
- Samimi Ardestani, M. (2016). *Pessimism of a disease or a social phenomenon*. qatreh.
- Schultz, D. (2002). *Theories of personality* (translated into Farsi by Y. Karimi). Arasbaran.
- Seif, A. (1991). *Modern educational psychology*. Agah.
- Siasi, A. (1977). *Personality psychology*. Amir Kabir.
- Snowden, R. (2009). *Teach yourself Freud* (translated into Farsi by N. Rahmaniyan). Ashiyan.
- Sotoudeh, H. (1999). *Social psychology*. Avaye Noor.
- Tyson, L. (2008). *Theories of contemporary literary criticism* (translated into Farsi by M. Hosseinzadeh). Negah Emroz.
- Yousefi, M. (2010). Dramatic personality disorder (hysterics). *Psychology of Happiness and Success*, 83, 46-47.
- Zarin Kob, A. (1978). *Iranian Sufism in its historical perspective* (translated into Farsi by M. Keivani). Sokhan.
- Zolfaghari, H. (2012). *A collection of Persian proverbs*. Elm.